

منارهای غزنی را کی ساخته؟

احمد علی کهزاد

فرستنده: بنیاد فرهنگی کهزاد

غزنی که خرابه ها و ویرانه ی‌ها آن بفاصله 140 کیلومتری جنوب غرب کابل، سر راه کابل و قندهار افتاده روزی شهر بزرگ و آبادان و پایتخت دودمان سلطنتی آل ناصر بود که بیشتر به لقب سلاطین غزنوی شهرت دارند و خاطره های آنها در داستان ها و افسانه ها، در جنگ ها و دیوان ها، در متون تاریخی، در قصیده های شعرا و در قصص و روایات کتابی و عامیانه درج است.

غزنی در طی قرن های 5 و 6 اسلامی یا قرن های 10 و 11 مسیحی شهرت آفاقی داشت و صدها عمارت خورد و بزرگ از قبیل کوشک ها، قصرها، مسجدها، باغ ها، مدرسه ها، کتابخانه ها، کاروان سرای ها، حمام ها و غیره داشت که امروز آثار اکثر آن از میان رفته و در میان یکعده مزارها و بقعه ها که عموماً مقابر اولیاء الله و برخی از سلطان های غزنه میباشند، دو مناری هم موجود است که متأسفانه جزء نیمی آن هم باقی نمانده است. به این معنی که نصف های قسمت بالای منارها که شکل استوانه نی داشت، در سال های اول سلطنت امیر حبیب الله خان در اثر تکان های شدید زلزله افتاده و از میان رفته و تنها نیمه دیگر قسمت تحتانی و رخ دار منارها باقی مانده است.

کسانی که به غزنی میروند یا تصاویر این منارها را دیده اند و یا در آینده پایتخت غزنویان را زیارت کنند به این سؤال مواجه خواهند شد که **این منارها را کی ساخته؟**

اولین کسی از دانشمندان افغانی که به جواب این سؤال مبادرت کرد و به حکم امیر حبیب الله خان کتابی راجع به مزارات غزنه نوشت، مرحوم شیخ محمد رضا متخلص به «سهیل» مدیر اسبق و اولیه موزه کابل، مرد مدقق و دانشمندی بود و در کتاب خویش موسوم به «ریاض الالواح» که در 1325 قمری در حدود 52 سال قبل تالیف کرده است، شرحی در آن مورد نگاشته است. وی به این سؤال جواب کافی، صحیح و رضایت بخش داده است. وی یکی از منارها را به «بهرامشاه» و دیگری را به «مسعود بن ابراهیم» که عبارت از مسعود سوم باشد، نسبت داده است. چون متأسفانه کتاب نفیس او که مدتی پیش خودش و بعد برای موزه کابل خریداری شده به چاپ نرسیده، دانشمندان اروپایی بدان و به نظریات مولف آن دست نیافتند و اشتباهاتی در صورت های قرائت آنها پدیدار شد.

شرح این قصه چنین است که منارهای غزنی و کتیبه های کوفی آن بار اول در سال های تهاجم اول انگلیس ها در افغانستان طرف توجه اروپایی ها واقع شده و «راولنسن» یکی از ماموران سیاسی انگلیس که در قندهار میبود، در عین زمان یکی از دانشمندان مشهور انگلیس بود. حین تخلیه قوای انگلیسی و حرکت از قندهار طرف کابل بار اول در سال 1842 م. کتیبه های منار های غزنی را مطالعه کرد و بار اول در شماره 12 سال 1842 مجله انجمن آسیایی بنگال مقاله ئی در آن مورد منتشر ساخت.

سپس «نیدرمایر» جرمنی و بعد هیئت باستان شناسی فرانسوی در سال 1923 رساله کوچک راجع به غزنه نشر نمود. موسیو «گودار» یکی از اعضای هیئت حفاریات فرانسوی به کمک عکس ها و رسم ها مطالعاتی در اطراف کتیبه های منارهای غزنی بعمل آورد و به کمک اسناد و عکس های او موسیو «فلوری» یکی از محققان فرانسوی در جلد 6 مجله «سیریا» منتشره سال 1925 تحقیقات مفصلی راجع به منارها و مزار سلطان محمود و سبکتگین و کتیبه های کوفی غزنی بطور عام بعمل آورد. متأسفانه موسیو «گودار» و موسیو «فلوری» مرتکب یک اشتباه صریح و بزرگی شدند. به این ترتیب که منار اولی را که به شهر غزنی نزدیک است به یمین الدوله ابوالقاسم محمود نسبت دادند و این اشتباه هم ناشی از لقب «یمین الدوله» است که محمود و بهرامشاه هر دو بدان لقب یاد میشدند. این اشتباه در ذهنیت اروپائیان بود تا اینکه 7 - 8 سال قبل یکنفر مدقق دیگر فرانسوی، موسیو «سورول» بمرض مطالعه ابدات اسلامی افغانستان و مسکوکات اسلامی موزه کابل به کابل آمد و اشتباه هموطنان خود را در

مقاله ئی که راجع به منارهای غزنی و منار دولت آباد نوشته، تصحیح کرد. حال آنکه قراریکه گفتیم **دانشمند افغانی شیخ محمد رضا سهیل** 52 سال قبل با نظر صائب نام های بهرامشاه و مسعود بن ابراهیم را درست در کتیبه ها تشخیص داده بود.

شبهه ئی نیست که هنوز برخی کلمات، مخصوصاً در کتیبهٔ مربوط به مسعود سوم صحیح خوانده نشده معذالک متن کتیبه های کوفی این دو منار قرار آتی است:
کتیبه بهرامشاه:

«بسم الله الرحمن الرحيم. السلطان الاعظم ملك الاسلام يمينا الدولة و امين الملة ابو المظفر بهرامشاه خلد الله ملكه»
کتیبه منار مسعود سوم:

«بسم الله الرحمن الرحيم. السلطان الاعظم ملك السلام علا الدولة ابوسعد مسعود بن ظهير الدولة ابي مظفر ابراهيم امير المومنين خلد الله ملكه»

سلطان مسعود پسر ابراهیم در سال 453 هـ. ق. در غزنی تولد شده و در 508 یا 509 وفات کرده است. چون سنن سلطنت او را بعد از 481 و حتی بعد از 492 هم قید کرده اند، حد اصغر سال های سلطنت او 17 و حد اکثر آن 28 سال میشود و اگر بنای منار مربوطه او را در سال های اخیر سلطنت و حیات وی نسبت دهیم، تعمیر منار به سال های اول قرن ششم هـ. ق. تعلق میگیرد.

بهرامشاه در سال 511 یا 512 هـ. ق. بر تخت سلطنت غزنه جلوس کرد و آتش سوزی غزنی توسط علاالدین جهانسوز غوری و فرار بهرامشاه به هند در سال 544 واقع شد. تاریخ بنای این دو منار بسیار زیاد از هم فرق ندارد و هر دو در دوام عمر یک نسل در اوائل قرن 6 و در سال های نزدیک به اواسط قرن مذکور ساخته شده اند. معذالک در سبک کار و تزئینات و روش رسم الخط کوفی میان دو منار غزنی فرق زیاد دیده میشود چنانچه حتی چشم عوام الناس هم فرق مذکور را دیده که میگویند این دو منار کار استاد و شاگرد است. / 18 جوزا 1337/